

غفلت از کثرت‌گرایی و تفکر انتقادی

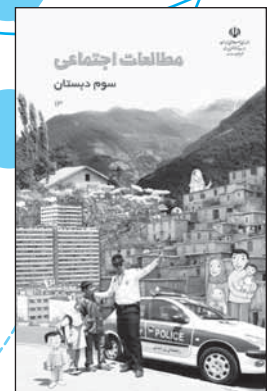
تحلیل محتوای مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی

رضا وفائی

دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

فاطمه السادات موسوی ندوشن

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان



چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل میزان بهره‌گیری کتاب درسی مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی از اصول انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است و رویکرد آن نیز کاربردی بوده است. جامعه پژوهشی، شامل متن مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی است که با توجه به ماهیت موضوع و محدودیت جامعه پژوهشی، از نمونه‌گیری صرف‌نظر و کل آن مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. ابزار اندازه‌گیری، سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته بوده است. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند.

عمده‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که: در مجموع ۷۶ مرتبه به اصول انسان‌شناختی، ۶۰ مرتبه به اصول معرفت‌شناختی و ۱۳ مرتبه به اصول ارزش‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران توجه شده است که میزان تراکم آن در اصول انسان‌شناختی با ۷۶ فراوانی، زیاد و در اصول با ۱۳ فراوانی، بسیار کم است. و همچنین به تعدادی از اصول نیز توجه نشده است.

کلیدواژه‌ها: مطالعات اجتماعی، فلسفه تعلیم و تربیت، اصول، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی

مقدمه

فلسفه در یکی از شکل‌های مضاف خود، یعنی فلسفه تعلیم و تربیت، در جریان تفکر بشری جایگاه مهمی به خود اختصاص داده است [شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۱۱۵]. که متضمن مباحثات فلسفی در قلمرو تعلیم و تربیت است. فلسفه تعلیم و تربیت که خود چارچوبی نظری است، نقشی اساسی در حوزه عملی تعلیم و تربیت به عهده دارد. این نقش متضمن هدایت و بازاندیشی نسبت به اموری است که در حوزه علمی تعلیم و تربیت قرار دارند. از این حیث، فلسفه تعلیم و تربیت چون سنگ ترازویی است که وزن فعالیت‌های عملی تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد و همچون معیاری عمل می‌کند که میزان افزودن و کاستن بر این فعالیت‌ها را مشخص می‌کند [باقری، ۱۳۸۹: ۵].

باقری (۱۳۸۶) معتقد است: «نقش فلسفهٔ تعلیم و تربیت در بررسی عمل تعلیم و تربیتی به صورت غیر مستقیم از طریق مفاهیم ناظر بر آن‌ها صورت می‌گیرد.» توجه به اندیشه‌های فلسفی ما را از درستی یافته‌های محققان و انتخاب‌ها و جهت‌گیری‌های نظام تربیتی مطمئن‌تر می‌سازد. به‌طور کلی رابطهٔ تعلیم و تربیت با فلسفه رابطه‌ای بنیادی تلقی می‌شود. زیرا «تربیت به هدایت عمدی انسان ناظر است و ناگزیر از داشتن نگرشی بنیادی نسبت به ماهیت انسان، محیط انسان و سرگذشت و سرنوشت اوست» [علم‌الهدی، ۱۳۸۵]. فلسفهٔ تعلیم و تربیت یکی از علوم فلسفی یا فلسفه‌های مضاف است که با روش عقلی و استدلالی به تحلیل و تبیین گزاره‌های تعلیم و تربیت می‌پردازد. هرچند فلسفهٔ تعلیم و تربیت به مباحث نظری و مفاهیم کلی و انتزاعی ناظر است و با تبیین ماهیت تعلیم و تربیت، اهداف، اصول و روش‌های آن سروکار دارد، ولی در واقع نوعی تئوری عمل محسوب می‌شود که ناگزیر از تبیین تعاملات نهادهای سیاست، اقتصاد، خانواده، حقوق و قوانین با نهاد تعلیم و تربیت است. و به نظریه‌پردازی به منظور هدایت عمل تعلیم و تربیت می‌پردازد [اسناد پشتیبان نقشهٔ جامع علمی کشور: ۴].

چارچوب نظری

این حوزهٔ معرفتی از چند بخش تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و ... [بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۲]. انسان به‌عنوان موضوع تعلیم و تربیت نقشی بسیار اساسی و تعیین‌کننده در نظام تربیتی دارد و هر گونه نگرشی به آن می‌تواند تأثیر خاص، مستقیم و انکارناپذیری داشته باشد. انسان به حکم اینکه جایگاه بسیار ممتازی در نظام هستی دارد، شناخت مرتبهٔ وجودی او به صورت مبنایی اهمیت دارد. سخن از انسان‌شناختی ایجاب می‌کند که هویت انسانی به روشنی تبیین شود تا بتوان گفت، به‌رغم همهٔ پراکندگی‌ها و گوناگونی، انسان‌ها می‌توانند به هویت مشخص و منسجمی

ببندیشند [رهنمایی، ۱۳۸۷: ۷۶].

انسان‌شناسی از طریق توجهات و تحلیل‌های عقلانی به بررسی ابعاد وجودی انسان و مسائل مطرح در انسان‌شناسی فلسفی می‌پردازد [سبحانی و محمد رضایی، ۱۳۸۶: ۲۴]. انسان‌شناسی در مجموع با مباحثی چون بازشناسی هویت انسان، جایگاه انسان در نظام هستی، ابعاد وجودی انسان، ارزش‌ها، توانایی‌ها، نیازها، خواسته‌ها و آگاهی‌های انسان و نظایر آن سروکار دارد [مطهری، بی‌تا، ج ۲: ۲۲۴-۲۶۷ و مصباح، ۱۳۹۳: ۳۲۱-۵۱۲]. اگر انسان حقیقت خویش، هدف از خلقت، رابطه با خدا، موقعیت خود در نظام هستی و ... را بشناسد، بسیاری از مشکلاتش حل می‌شود [سبحانی و رضایی، ۱۳۸۶: ۲۴]. در انسان‌شناسی مسائلی از این قبیل مطرح می‌شوند:

۱ آیا انسان علاوه بر بدن ساحت دیگری چون نفس دارد؟

۲ در صورت تعدد ساحت‌های وجودی انسان، کدام یک از آن‌ها حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد؟

۳ تعریف نفس و ادلهٔ وجود و تجرد آن چیست؟

۴ رابطهٔ نفس و بدن چگونه است؟

۵ کدام یک از نفس و بدن در آفرینش مقدم هستند؟

۶ و ... [خسرو پناه، ۱۳۸۲: ۲۲۱].

معرفت‌شناسی در فلسفهٔ تعلیم و تربیت با مفاهیم کلی و یا بنیادین شناخت سروکار دارد [گوتک، ۱۳۸۰: ۷ و نصرتی هشی، ۱۳۹۲: ۲]. در واقع رشته‌ای از فلسفه است که به بررسی معرفت می‌پردازد و دربارهٔ ماهیت معرفت تعمق می‌کند [رضایی و پاک سرشت، ۱۳۸۷: ۱۲]. اگر به مباحثی که در معرفت‌شناسی مطرح می‌شوند، توجهی داشته باشیم، خواهیم دید که محور مرکزی همهٔ مسائل آن «علم و معرفت» است [مصباح، ۱۳۷۰: ج ۱: ۶۴].

معرفت‌شناسی سؤالات عمیقی در دربارهٔ معرفت مطرح می‌کند که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به «ماهیت معرفت چیست؟»، «حدود آن چیست؟»، «راه‌های رسیدن به معرفت کدام‌اند؟» و «منابع معرفت

چیست؟» اشاره کرد [رضایی و پاک سرشت، ۱۳۸۷: ۱۲]. در نهایت موضوع ارزش‌ها از روزگاران قدیم از جمله مسائل و بحث‌های مهم فلسفی بوده است. چرا که ارزش‌ها، مخصوصاً ارزش‌های اخلاقی، رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند [شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۱۵۴]. از سوی دیگر، مبحث ارزش‌ها یکی از مباحث آموزش و پرورش است، به گفتهٔ **دونالد باتلر** (۱۹۶۸) تربیت بیش از هر نهاد دیگری با ارزش‌ها سروکار دارد و هیچ نهاد دیگری به اندازهٔ این نهاد به دنبال تحقق ارزش‌ها نیست [خرم‌آبادی و ملکی، ۱۳۹۳: ۱۳۶]. و همچنین به گفتهٔ **جرج نلر**، در آموزش و پرورش سخن از ارزش‌هاست. [تقی‌پور ظهیر، ۱۳۹۳: ۱۰۰]. امروز مقصود از واژه «ارزش‌شناسی» همان نظریهٔ مطالعهٔ ارزش‌هاست که در واقع شاخه‌ای از فلسفه به شمار می‌رود و ماهیت ارزش‌ها را بررسی می‌کند. مسائل اساسی ارزش‌شناسی عبارت‌اند از: ماهیت ارزش‌ها، طبقه‌بندی و انواع ارزش‌ها، معیار و ملاک ارزش‌ها، جایگاه متافیزیکی ارزش‌ها. با توجه به مبانی مطرح شده، اصول اساسی فلسفهٔ تعلیم و تربیت کشور، مبتنی بر این مبانی در پژوهش حاضر بررسی شده است. در اینجا به علت محدودیت، به بررسی و تبیین اصول و مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی فلسفهٔ تعلیم و تربیت نمی‌پردازیم.

هر نظام تعلیم و تربیتی متأثر از ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه است و این تأثیر در قالب فلسفهٔ تعلیم و تربیت در نظام آموزشی خود را نشان می‌دهد. سایر عناصر نظام تعلیم و تربیت منطبق با این فلسفهٔ تعلیم و تربیت حاکم بر جامعه طراحی می‌شوند. اجزا و عناصر نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران منطبق و متأثر از فلسفهٔ تعلیم و تربیت حاکم است و یکی از این عناصر، برنامهٔ درسی به‌طور عام و کتاب‌های درسی به‌طور خاص هستند که باید طبق معیارهای فلسفهٔ تعلیم و تربیت تهیه و تدوین شوند.

در نظام‌های آموزشی، کتاب‌های درسی یکی از اساسی‌ترین مراجع و منابع یادگیری

دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. کتاب درسی در نظام برنامه‌دستی متمرکز ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد، به طوری که اغلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌گیرد [سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰]. محتوای درس‌ها در بردارندهٔ مجموعه‌ای از دانش‌ها (حقایق، تبیین‌ها، اصول، تعاریف)، مهارت‌ها و فرآیندها (خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر منطقی، تصمیم‌گیری و ایجاد ارتباط)، و ارزش‌ها (خوب و بد، صحیح و غلط، و زشت و زیبا) است [ملکی، ۱۳۸۹: ۶۸] که دانش‌آموز در ضمن آموزش یاد فرایند یاددهی-یادگیری با آن‌ها در تعامل قرار می‌گیرد [نوریان، ۱۳۸۹: ۶۵]. تهیه و تدوین محتوای کتاب‌های درسی باید براساس اصول و مبانی خاصی باشد [۱۱۱: ۲۰۰۳، Marsh]. برنامه‌های درسی محل مناسبی برای ارائهٔ دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌هایی به دانش‌آموزان، بزرگسالان و تصمیم‌گیرندگان اولیه خواهند بود. بررسی وضعیت موجود کتاب‌های درسی از این نظر مهم است که تصویر دقیقی از کم و کیف توجه به این مضامین به دست می‌دهد و در حکم بررسی وضعیت موجود، بینش‌های لازم را برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران طراحی برنامه‌های درسی به منظور تدوین برنامه‌ها و پوشش دادن حیطه‌ها و برنامه‌های درسی پنهان و مغفول فراهم می‌آورد.

در میان برنامه‌های درسی، مطالعات اجتماعی یک حوزهٔ یادگیری اصلی و کلیدی است که تقریباً در تمام کشورهای دنیا آموزش داده می‌شود. رسالت اصلی برنامهٔ درسی مطالعات اجتماعی، کمک به تربیت شهروند مطلوب است، شهروند مطلوب کسی است که دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی را که پایبندی به آن‌ها برای عموم شهروندان یک کشور لازم تشخیص داده شده است، کسب کرده باشد از این رو برنامهٔ مطالعات اجتماعی باید شامل تمامی فعالیت‌هایی باشد که نیازمندی‌های دانش‌آموزان را در قرن اخیر مرتفع می‌سازند [زارع و سعید، ۱۳۹۵: ۱۴]. با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش به دنبال بررسی کتاب درسی مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی از نظر میزان بهره‌گیری از اصول انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت

جمهوری اسلامی ایران در طراحی و تدوین آن بوده‌ایم.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی، از نوع «تحلیل محتوا»^۱ و با رویکرد کاربردی انجام شده است. گرلینجر^۲ تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی متغیرها دانسته است. جامعهٔ پژوهش حاضر کتاب درسی مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ است که با توجه به ماهیت موضوع پژوهش انتخاب شده است. ابزار اندازه‌گیری «سیاههٔ تحلیل محتوا» بوده که به منظور تدوین آن، از مبانی و اصول انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی فلسفهٔ تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.

یافته‌ها

۱. به چه میزان از اصول مستخرج از مبانی معرفت‌شناختی فلسفهٔ تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، در تألیف کتاب درسی مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی بهره گرفته شده است؟

با توجه به نتایج یافته‌ها در جدول ۱، از اصول «ارتباط با امر مورد مطالعه» با ۱۷ فراوانی، «تکیه بر شواهد» با ۱۶ فراوانی، «تکیه بر حقایق» با ۷ فراوانی، «فرضیه‌پروری» با ۵ فراوانی و «ارتباط با نیازها و مسائل» با ۱۵ فراوانی در



اصول معرفت‌شناختی

جدول ۱. اصول معرفت‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران	
اصول	مجموع فراوانی
اصل ۱۰: ابداً تقسیم‌های جدید در علوم	۶۰
اصل ۹: نقد مداوم آموخته‌ها	۰
اصل ۸: جامع‌نگری به نیازها و هدایت آن‌ها	۰
اصل ۷: ارتباط با نیازها و مسائل	۱۵
اصل ۶: فرضیه‌پروری	۵
اصل ۵: کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم	۰
اصل ۴: تکیه بر حقایق	۷
اصل ۳: جامع‌نگری در علم	۰
اصل ۲: تکیه بر شواهد	۱۶
اصل ۱: ارتباط با امر مورد مطالعه	۱۷
فراوانی	۲۸/۳۳
درصد	۱۱/۶۷

اصول ارزش‌شناختی

جدول ۲. اصول ارزش‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران	
اصول	مجموع فراوانی
اصل ۱: اعتبار‌یابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها	۰
اصل ۲: درک سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها	۰
اصل ۳: مهارت و اخلاق حرفه‌ای	۷
اصل ۴: حفظ و ارتقای کرامت	۶
اصل ۵: تأمین آزاداندیشی	۰
اصل ۶: برقراری عدالت تربیتی	۰
اصل ۷: فضل	۰
اصل ۸: اعتدالی‌دانه زیبایی	۰
فراوانی	۵۳/۸۵
درصد	۴۶/۱۵

اصول انسان‌شناختی

جدول ۳. اصول انسان‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران	
اصول	مجموع فراوانی
اصل ۱: تغییر ظاهر و تحول باطن	۰
اصل ۲: احیای پیوند قدسی	۴
اصل ۳: عقل‌ورزی	۲۴
اصل ۴: مسئولیت	۸
اصل ۵: تعامل مؤثر اجتماعی	۱۳
اصل ۶: تناسب تکلیف با ظرفیت	۲۷
فراوانی	۳۱/۵۸
درصد	۵/۲۵

اصول «درک سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها»، «اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها»، «تأمین آزاداندیشی»، «نقد مداوم آموخته‌ها»، «برقراری عدالت تربیتی»، «فضل» و «اعتدالی‌دانه زیبایی» توجه نشده است. ۳. به چه میزان از اصول مستخرج از مبانی انسان‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در تألیف کتاب درسی مطالعات

ارزش‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در تألیف کتاب درسی مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی بهره گرفته شده است؟ با توجه به نتایج یافته‌ها در جدول شماره ۲، از اصول «حفظ و ارتقای کرامت» با ۶ فراوانی و «مهارت و اخلاق حرفه‌ای» با ۷ فراوانی در تألیف کتاب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بهره گرفته شده است. همچنین، به

تألیف کتاب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بهره گرفته شده است. همچنین، به اصول «جامع‌نگری در علم»، «کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم»، «جامع‌نگری به نیازها و هدایت آن‌ها»، «نقد مداوم آموخته‌ها»، «ابداع تقسیم‌های جدید در علوم» توجه نشده است. ۲. به چه میزان از اصول مستخرج از مبانی

پی‌نوشت‌ها

1. Content Analysis
2. Kerlinger

منابع

۱. اسناد پشتیبان نقشه جامع کشور (اسناد کمیته آموزش).
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. انتشارات علمی - فرهنگی. تهران.
۳. _____ (۱۳۸۶). «جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت در میانه نظر و عمل؛ تأملی بر واپسین چالش‌های فلسفه‌های تحلیلی و قاره‌ای، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۰. سال ششم.
۴. بهشتی، سعید (۱۳۸۶). زمینه‌ای برای بازناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب. اطلاعات. تهران.
۵. تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۹۳). مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آگه. تهران.
۶. خرم‌آبادی، یدالله؛ ملکی، سکینه (۱۳۹۳). «ارزش‌شناسی و تأثیر آن از دیدگاه شهید مطهری»، فصل‌نامه پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، سال اول، شماره دوم.
۷. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۲). گستره شریعت. نشر معارف. قم.
۸. رضایی، محمد هاشم؛ پاک سرشت، محمد جعفر (۱۳۸۷). تأثیر دیدگاه‌های معرفت‌شناختی بر فعالیت‌های یاددهی و یادگیری در نظام آموزش بازو راه دور، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۴، شماره ۴.
۹. رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم.
۱۰. زارع، حسین و سعید، نسیم (۱۳۹۵). مبانی آموزش مطالعات اجتماعی. انتشارات پیام نور. تهران.
۱۱. سبحانی، جعفر و محمد رضائی، محمد (۱۳۸۶). اندیشه ۱. نشر معارف. قم.
۱۲. سبحانی نژاد، مهدی؛ جعفری هرنیدی، رضا؛ نجفی، حسن (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه از لحاظ میزان توجه به مباحث سبک زندگی اسلامی مبتنی بر سوره مبارکه حجرات»، اندیشه‌های نوین تربیتی. دوره ۱۱. شماره ۱.
۱۳. شریعتمداری، علی (۱۳۹۵). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. امیر کبیر. تهران.
۱۴. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۵). گزارش مرحله اول فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران؛ در دسترس در سایت: www.sanad.ir.
۱۵. فلاحیان، ناهید و ملک محمودی، نازیا (۱۳۹۲). کتاب معلم، راهنمای تدریس مطالعات اجتماعی سوم ابتدایی. اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی. تهران.
۱۶. گوتک، جرالد ال (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه محمد جعفر پاک سرشت. سمت. تهران.
۱۷. مصباح، محمد تقی (۱۳۷۰). آموزش فلسفه، (ج ۱)، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی. تهران.
۱۸. مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار، (ج ۲).
۱۹. مصباح، محمد تقی (۱۳۹۴). معارف قرآن، (ج ۳)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم.
۲۰. ملکی، حسن (۱۳۸۸). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). دانشگاه فردوسی. مؤسسه انتشارات پیام اندیشه. مشهد. چاپ هشتم.
۲۱. نصرتی هشی، کمال (۱۳۹۲). «تحلیل و تبیین مبانی معرفت‌شناختی ابن‌سینا و دلالت‌های تربیتی آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
۲۲. نوریان، محمد (۱۳۸۹). تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران. انتشارات گویش نو. تهران.
۲۳. نر، جرج (۱۳۷۷). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش. سمت. تهران.

24. Butler, d (1968). Four Philosophies and Their Practice in Education and Religion, 3ed, New York, Harper and Row
25. Connelly, F. M. and Clandinin, D. J. (2006). Teachers as Curriculum planners. The Ontario Institute For Studies in Education, Teachers College Columbia University.
26. Marsh, C. (2003). Key Concepts For Understanding Curriculum. London; Falmer press.

اجتماعی سوم ابتدایی بهره گرفته شده است؟ با توجه به نتایج یافته‌ها در جدول شماره ۳، از اصول «تناسب تکلیف با ظرفیت» با ۲۷ فراوانی، «عقل‌ورزی» با ۲۴ فراوانی، «تعامل مؤثر اجتماعی» با ۱۳ فراوانی، «مسئولیت» با ۸ فراوانی و «احیای پیوند قدسی» با ۴ فراوانی در تألیف کتاب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بهره گرفته شده است. همچنین، به اصل «تغییر ظاهر و تحول باطن» توجه نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای براساس نظام ارزشی حاکم بر آن درصدد تعلیم و تربیت افرادی است که آرمان‌های خود را در وجود آن متبلور سازند. در جوامع مختلف برای رسیدن به این مهم، از ابزارها و رسانه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. یکی از این ابزارها، کتاب درسی است که در کشور ما به صورت ویژه‌ای یکی از مهم‌ترین منابع یادگیری است. کتاب‌های درسی، به دلیل اهمیت بسیاری که در تعیین محتوا و خط‌مشی آموزشی دارند، کانون توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش هستند. اهمیت این کتاب‌ها در نظام‌های آموزشی متمرکز مانند ایران که تقریباً تمام عوامل آموزشی براساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌شوند، بیش از سایر انواع نظام‌های آموزشی است. به موجب همین اهمیت است که صرف وقت نیروهای متخصص در ارزشیابی و تحلیل کتاب‌های درسی می‌تواند راه‌گشای حل بسیاری از مشکلات جاری آموزش باشد.

با توجه به جدول ۱، جامع‌نگری در علم، کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم، جامع‌نگری به نیازها و هدایت آن‌ها، نقد مداوم آموخته‌ها و ابداع تقسیم‌های جدید در علوم، اصولی هستند که در محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی مورد غفلت واقع شده‌اند، درحالی‌که برنامه درسی مطالعات اجتماعی، در کنار تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری فراگیرندگان، می‌تواند زمینه‌ساز پرورش تفکر انتقادی و نقادی اجتماعی باشد. به این منظور، فراگیرندگانی که به تدریج روحیه خردورزی علمی را کسب می‌کنند و موضعی فعال و منطقی در برابر مسائل جامعه می‌گیرند، قادر به درک و حل مسائل جامعه خواهند بود و این توانایی را کسب خواهند کرد که شرایط موجود را در جهت دست‌یابی به شرایط مطلوب تغییر دهند.